

HOMAN

c/o RFSL, Box 45090
S-104 30 STOCKHOLM
SWEDEN



هومان

سال دوم، شماره ۶، شهریور ۱۳۷۱

شماره اول خرداد ۰۰۰۶ سال ۱ تا ۱۰۰۰۰ شماره ۱۰۰۰۰

مقاله ۲ و ۳ و ۴ از شماره ۲ به بعد

و کتا به هزینه

مقاله ۱ به بعد

مقاله ۱ تا ۱۰۰۰۰ شماره ۱ تا ۱۰۰۰۰

شرکت ایران

برای اولین بار

در کنفرانس جهانی همجنسگرایان



در این شماره میخوانید



۲ - واکسن ایدز قبل از سال ۲۰۰۰ - افسانه یا واقعیت

۴ - بیشتر گم‌های تهران از دواج کر ده‌اند

۵ - حنسیت در اسلام

۹ - وقایع اتفاقیه

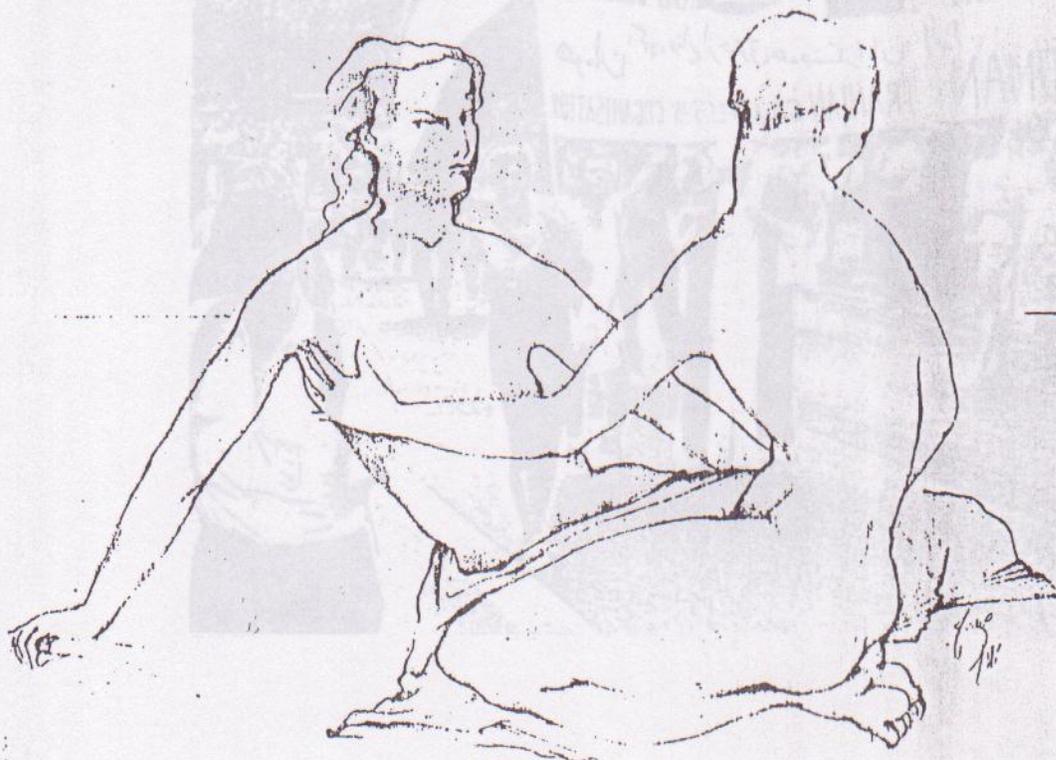
۱۲ - اسکار وایلد مرد تناقض بود

۱۵ - هم‌نسرگرای ایرانی توقع دارد که - نامه رسیده

۱۷ - موقعیت نویسندگان زرتشتی هند در غرب

۱۹ - مصاحبه با فیلیپ ، هم‌نسرگرای انگلیسی

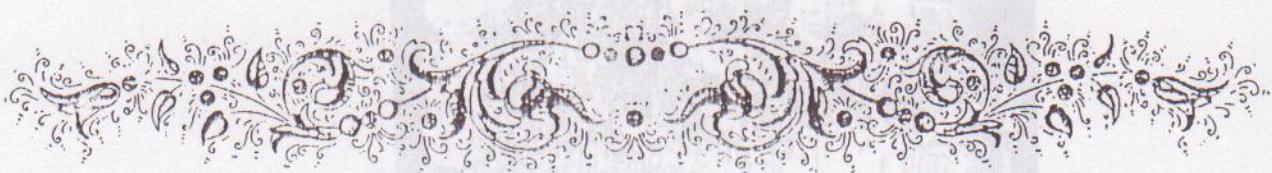
۲۲ - مراسم کریستوفر استریت در آمریکا



بیماری ایدز و مسئولیت مطبوعات ایرانی در خارج از کشور

زمانی این افسانه رواج داشت که ایدز به اصطلاح مشکل همجنسگرایان است و همجنسگرایی هم صد البته از مظاهر فساد غرب می باشد. اما واقعیت ها خیلی زود این افسانه را از پای در آورد. امروز دیگر لازم به گفتن نیست که ایدز مشکل کل بشریت است و همه ما باید به مسئولیت فردی و اجتماعی خود در مبارزه با این بیماری عمل کنیم. بی توجهی به این موضوع میتواند برای جامعه ما عواقب زیانباری داشته باشد. میتوان گفت که اطلاعات مردم غرب و بخصوص همجنسخواهان غربی در باره خطرات ویروس "اچ آی و" در حد نسبتا مطلوبی است، طوری که استفاده از کاپوت در آمیزش های جنسی نه تنها یک شرط بلکه به یک مسئله و معیار فرهنگی تبدیل شده، یعنی اگر کسی از کاپوت استفاده نکند، بعنوان غیر متمدن و غیر امروزی با او برخورد میشود. میماند آن دسته از افراد که هنوز با افسانه های قدیمی زندگی میکنند و یا نسبت به کاپوت حساسیت ندارند. بر طبق گزارش رادیو سوئد، در سه ماهه اول سال جاری ۸۷ مورد ابتلاء به ویروس "اچ آی و" در این کشور مشاهده شده. بیش از شصت درصد این افراد متاهل میباشند و خود را همجنسگرا نمی دانند. نود درصد این مبتلایان غیر همجنسگرا یا مهاجر و یا پناهنده اند. این در حالی است که پخش اطلاعات در باره بیماری ایدز و راه های سرایت آن به یک امر روزمره در جامعه سوئد تبدیل شده است.

اگر مجلات، روزنامه ها و نشریات ایرانی منتشره در خارج از کشور را ورق بزنیم، در کمتر مجله یا روزنامه ای، مطلبی درباره بیماری ایدز و ویروس عامل آن و یا راه های مبارزه با این بیماری، به چشم میخورد. برآستی چرا؟ آیا گردانندگان این مطبوعات و جراید از نقش مطبوعات در امر روشنگری مردم آگاه نیستند یا اینکه به اندازه کافی در برابر خوانندگان خود احساس مسئولیت نمی کنند؟ البته این احتمال بیشتر می رود که این افراد هنوز با افسانه زندگی میکنند و بیماری ایدز را مشکل غربیان میدانند. و یا اینکه تابوهای موجود در فرهنگ ایرانی در رابطه با مسائل جنسی مانع این کارهاست. واقعیت این است که بسیاری از ایرانیان در خارج از کشور مشکل زبان دارند و این کار اطلاع رسانی کشور میزبان به پناهندگان و مهاجرین را با مشکل مواجه میکند. از طرف دیگر عده ای، حال بهر عللی راغب به مطالعه مطبوعات بزبان کشور میزبان نیستند. اینگونه افراد بیش از همه در معرض خطر بیماری قرار دارند. ما باید بهر شکلی که میتوانیم اطلاعات در باره ویروس "اچ آی و"، راه های سرایت آن و خطرات ناشی از آن را به کوش هموطنان خود برسانیم. مطبوعات ایرانی خارج از کشور میتوانند نقش مهمی در این باره بعهده بگیرند و نباید از مسئولیت خود در این باره شانه خالی کنند. سخن آخر اینکه فراموش نکنیم که مبارزه با بیماریها همانا یک مبارزه فرهنگی است.



واکسن ایدز قبل از سال ۲۰۰۰ - افسانه یا واقعیت

بر طبق آمار، هر روز پنجهزار نفر در جهان به ویروس "اچ آی و" مبتلا میشوند. از همان سالهای اولیه شناخت این ویروس، آرزوی غلبه بر آن هم زاده شد. روز ۲۳ آوریل ۱۹۸۴ وقتی که وزیر بهداشت وقت آمریکا، مارگارت هکلر، کشف ویروس "اچ آی و" توسط پزشکان آمریکایی را تایید کرد، اعلام نمود که حداکثر تا دو سال دیگر واکسنی بر علیه این بیماری یافته خواهد شد. محققان و پزشکان حاضر در جلسه متعجبانه به همدیگر چشم دوختند بدون آنکه به خانم وزیر چیزی بگویند.

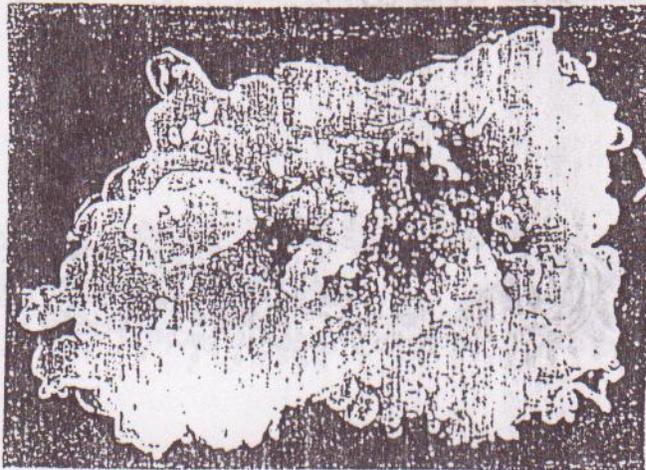
نیاز شدید به یافتن واکسنی بر علیه این بیماری برای نجات بشریت و بخصوص سکنه جهان سوم، نباید بر این موضوع پرده بیاندازد که یافتن همچون واکسنی بسیار مشکلتر از آن است که عده‌ای تصور میکنند. حتی بسیاری از متخصصان آنرا عملی غیر ممکن میدانند. مشکلاتی که ویروس "اچ آی و" در راه یافتن واکسن برای محققان ایجاد میکند، فراوانند، از جمله:

+ این ویروس قادر است که دائماً ساختمان ظاهری خود در افراد مختلف و حتی در همان فرد مبتلا را عوض کند. یعنی یافتن واکسن برای یک نوع ویروس به این معنا نیست که واکسن یافته شده بتواند برای همه افراد موثر باشد. توانایی ویروس در تغییر شکل ظاهری، حتی در مناطق مختلف هم فرق میکند. یعنی مختصات ویروسی که در غرب یافته میشود، با مختصات ویروس در مناطق دیگر مثلاً آفریقا کاملاً متفاوت میباشد. بدیگر سخن یافتن واکسنی برای ویروس از نوع غربی آن نمی‌تواند بر این ویروس در آفریقا تاثیری داشته باشد.

+ ویروس "اچ آی و" از توانایی بی‌نظیری برای سرایت در سلول و نفوذ کردن به هسته آن (DNA) برخوردار است. این ویروس بعد از نفوذ به (دان آ) قادر است همانجا برای سالهای سال بدون فعالیت به اصطلاح مخفی باقی بماند، بدون آنکه کلبولهای دفاعی بدن قادر به کشف آن باشند. یافتن یک واکسن موثر باید به این معنی باشد که نه تنها سلولهای بدن را در مقابل سرایت ویروس به آنها محافظت کند، بلکه باید سیستم دفاعی بدن را وادارد که به سلولهای میزبان ویروس "مخفی" هم حمله کرده، آنها را از بین ببرد.

+ ویروس "اچ آی و" قادر است سریعاً به مغز سرایت کند و سیستم دفاعی بدن در مغز کارکردی ندارد. بنابراین این یک واکسن موثر باید به این معنی باشد که بتواند از گسترش ویروس به منطقه مغز جلوگیری کند.

بقیه در



این است چهره‌ای از ایدز که به بشریت دهن‌کجی میکند.

بکوشیم بر آن تلبه کنیم.

بیشتر گی‌های تهران از دواج کرده‌اند

یکی از دوستان هومان که سفری به ایران داشته، در برگشت نامه‌ای برایمان ارسال کرده که در آن کوشه‌ای از وضعیت همجنسگرایان ایرانی را توضیح میدهد. ما با تشکر از این دوست عزیز و با اجازه قبلی از ایشان قسمتی از نامه را در این شماره مجله بچاپ میرسانیم.

دو سال قبل چند نفر از دوستان سفری به ایران داشتند و چون در برگشت آنها متوجه شدم که رژیم زیاد سختگیری نمیکند و بخصوص یکی از دوستان که برگشته بود، مطالب جالبی تعریف میکرد و من هم در سیاست کارهای نبوده‌ام، تصمیم گرفتم سفری به ایران بکنم. در تهران توسط یکی از دوستان با مکان‌گی‌ها آشنا شدم (من کلمه کی را که راحت‌تر است بجای کلمه همجنسگرا بکار میبرم).

کی‌ها در تهران مثل جاهای دیگر دنیا، یکدیگر را در مراکز عمومی می‌بینند و معمولاً از نگاه اول معلوم میشود که آیا طرف کی هست یا نه. (نگاه غیر کی سرد، سریع و گذراست) با کمک همین نگاه فرد به طرف مقابلش اعلام میکند که از او خوشش می‌آید. بعد از مدتی که از نگاهها گذشت و طرفین احساس راحتی نسبی کردند، معمولاً روی نیمکتی نشسته و از یکدیگر ساعت چند است و می‌پرسند و همین‌طور وارد گفتگو میشوند. بیشتر کی‌های تهران از دواج کرده‌اند و زن و بچه دارند. می‌گویند گاهی سربازان کمیته به این محلها هجوم آورده، کی‌ها را به کمیته می‌برند. اینرا من خود شاهد نبودم.

در اماکنی که کی‌ها همدیگر را ملاقات میکنند، حتی چند نفر با چادر و لباس کاملاً زنانه می‌آمدند و با یکدیگر خنده و شوخی میکردند و گاهی ماشینی جلوی پای آنها ترمز میکرد و گاهی هم خود کمیته‌ای‌ها کی‌ها را با خود می‌بردند و بعد از مدت کوتاهی برمیگرداندند و این یعنی

دوست همجنسگرایی در تهران تعریف میکرد که سه، چهار نفر کرد هستند که ماهی یکدفعه از کردستان به تهران می‌آیند و او را با خود به می‌برند و بعد به کردستان برمیگردند پیش زن و بچه‌های خود تا ماهی دیگر سر رسد.

در تهران با یک شیرازی آشنا شدم او تعریف میکرد که سالی سه الی چهار بار به تهران می‌آید تا با مردان خوش‌تیپ "حال کند". خلاصه مثل تمام جاهای دنیا ایرانیها هم مشغول زندگی هستند و سگس هم جزئی از زندگی آنهاست فقط کی‌ها در ایران زیر فشار بیشتری هستند و مجبور میشوند از دواج کنند. حتی آنهایی که رفتار و حرکات کاملاً زنانه دارند از دواج این افراد کار واقعاً اشتباهی است. می‌گویند دولت در اوائل انقلاب همجنسگرایان را اذیت میکرد و چندین نفر را هم کشت ولی اکنون زیاد سختگیری نمی‌کند. حتی یکبار در یک محل بین یک کی و یک کمیته‌ای جروب‌بحث شد و کمیته سر فرد کی داد کشید که "این چه جور حرف زدن و حرکت کردن است. چرا مثل زنها حرف می‌زنی؟" فرد کی هم جواب داد: من چه کنم. خدا مرا اینطوری آفریده، مگر تو خودت سعی میکنی بطور خاصی حرف بزنی؟ خود تو هم همانطور که خدا ترا آفریده، حرف می‌زنی. و پس از کمی جر و بحث هرکدام به راه خود رفتند.

شنیده‌ام که کافه هم محل دیدار کی‌هاست و همین‌طور چند سینما. راستی به چندین جشن هم رفتم که در آنجا کی‌ها مثل سایر جاهای دیگر، یکدیگر را دعوت میکنند و شب جمعه دور هم هستند و صحبت و خنده و مشروب مفضل تا نزدیکیهای صبح و همین‌طور رقص عربی که چند نفر میرقصند. موزیک و ویدئو و تازه‌ترین فیلمهای هالیوود در تهران هفته‌ای صد تومان کرایه میشوند. و حتی فیلمهای سکسی هم در تهران یافته میشوند.

مقاله زیر تحت عنوان "سکس از نظر اسلام" توسط کمال یامانلار نوشته شده و در شماره ۱۰ سال ۱۹۹۱ مجله کوپیدو، که در سوئد منتشر میشود، بچاپ رسیده که ما آنرا به فارسی برگردانده و برای خوانندگان خود در این شماره هومان بچاپ میرسانیم.

محمد، پیغمبر بزرگ اسلام و آخرین فرستاده خدا میگوید: "کشش و تمایلات جنسی همانقدر طبیعی اند که گردش خون در رگهای بدن". شواهد شاگردان او حاوی شرحهای مفصلی از جنبه جنسی زندگی پیغمبر می باشد. طبق روایات "او قدرت دهتا مرد را دارا بوده". علیرغم معروف بودن اسلام بعنوان مذهبی که در بسیاری عرصهها آزادی فرد را نادیده میگیرد، اما بطور شگفت انگیزی مطالب زیادی در باره سکس و روابط زناشویی و همینطور گفتهها و موعظه های محمد در باره این موضوع، که نکاشته شده اند، بسیار فراوانند و برای کسی که زبان عربی میداند، ادبیات کاملی در شرح زندگی جنسی محمد، که توسط زنان او بازگو شده اند، وجود دارد. همه اینها با دید سختگیرانه اسلام نسبت به سکس چگونه جور در می آید؟ آنچه که در زیر می آید، خلاصه ای است از آن زندگی جنسی که محمد برای انسان ترسیم میکرد.

آری ۱۲۰۰ سال پیش بود:

اسلام میخواهد که هر مسلمان سالم و تندرست بعد از بلوغ در اسرع وقت ازدواج کند. محمد میگوید اگر فردی از توانایی مالی نامساعدی برخوردار باشد، حق کمک از جامعه اسلامی را دارد. نیاز و کشش جنسی بلافاصله بعد از بلوغ خود را به انسان تحمیل میکند و این به معنی فرا رسیدن موعد ازدواج. چرا که تماسهای جنسی خارج از روابط زناشویی کلاه غیرقابل تصور است. ازدواج تنها راه صحیح و درست برای مسلمان معتقد و مومن میباشد. بزرگترین گناهان از نظر محمد:

برابر دانستن خدایان دیگر با خداوند یکتای متعال

قتل انسان

و سکس در خارج از محدوده روابط زناشویی.

جزای آخرین مورد گفته شده، سنگسار است. اگر مرتکبین گناه متاهل نباشند، باید آنها را شلاق زد. امروز کمتر جوامعی در جهان اسلام یافت میشوند که اینگونه تعزیرات را بکار میگیرند و یا هنگام بکار بستن این دستورات، بیشتر زنان هستند که جریمه میپردازند. در حالی که در قوانین نسبتا خشن محمد شکی نیست که مجازات برای هر دو یعنی هم زن و هم مرد یکی است.

پس چاره انسان مجردی که کشش جنسی هم دارد، چیست؟ و چگونه باید با آن مقابله کند؟

محمد برای انسان مجرد، روزه را توصیه میکند. به اعتقاد او این تنها روشی است که فرد با کمک آن میتواند خود را پاک و منزله نگاه دارد. زندگی جنسی سازمان یافته و مرتب به این معنی است که مسلمان مؤمن میتواند وقت بیشتری را صرف خدای خود کند و خطر ارتکاب جرائم جنسی کاهش می یابد. از نظر اسلام، چشمپوشی از ازدواج در صورت برخوردار بودن از امکان آن، گناه محسوب میشود: "خداوند مسیر ازدواج را برای انسان معین کرده و عدم رعایت آن گناه دارد".

از نظر محمد هیچ والدینی حق ندارد دختر بالغ خود را که مایل به ازدواج باشد، از این کار باز دارد. بعلاوه او اکید، والدین را از ازدواج اجباری دختران خود برحذر میدارد. برطبق قوانین اولیه اسلام درباره زناشویی، زن از امتیازات زیادی برخوردار است که مرد از آنها محروم میباشد. مثلا دختر قبل از ازدواج حق نگاه کردن به شوهر آینده خود را دارد. در واقع او میتواند درخواست دیدن تمام بدن مرد، منهای فاصله بین ناف تا زانوی او را، مرد قبل از ازدواج با دختر

دنباله مقاله سکس در اسلام

احتمالا میتواند به صورت زن آینده خود نگاه کند (زن باید موی سر و تمام بدن خود بجز دستها و پاها را بپوشاند)

هم زن و هم مرد میتوانند بلافاصله بعد از ازدواج در صورتی که طرف مقابل دارای نواقص بدنی یا روانی باشد که قبلا دیده نشده‌اند و یا اگر طرف مقابل از توانایی جنسی برخوردار نباشد، تقاضای طلاق کند.

بعضی از مذاهب در دین اسلام، به مرد اجازه ازدواج با دختران نابالغ را میدهند. اما گرفتن پرده بکارت دختر قبل

از اولین خونریزی، قاعدگی، کناهی است بزرگ. مرتکب چنین کناهی با زندگی ابدی (!) در جهنم مجازات میشود. شاخه‌هایی

از اسلام که امروزه از نظریه ازدواج با دختران خردسال دفاع میکنند، به زندگی خود حضرت محمد استناد کرده، میگویند

که خود محمد با عایشه شش ساله ازدواج کرد و عایشه بعد از بلوغ "زن" شد. یعنی زمانی که او نه ساله بود. عایشه دختر

ابوبکر، اولین مرد مسلمان بعد از پیغمبر بود. مخالفان اینگونه از دواجها معتقدند که محمد پیغمبر بود و این کار برای

پیغمبر اشکالی ندارد.

حقوق جنسی که زن حق مطالبه آنها از مرد را داراست نیز توسط

پیغمبر مشخص شده‌اند. او میگوید: "اگر مرد مایل به داشتن

سکس باشد، زن حق رد درخواست او را ندارد. البته استثناء وجود

دارد که شامل بیماری، عادت ماهانه و دوره آخر بارداری میباشد.

اما همین تکلیف برای مرد هم مقرر شده که طبق آن مرد موظف

به ارضاء جنسی زن میباشد. محمد توضیح میدهد که مرد باید

زن را برای هماغوشی، همراه با نوازش، بوسه و کنار و معاشقه

آماده کند. در عین حال، در یک هماغوشی حق تصمیم در باره ورود

یا عدم ورود منی به مهبل از آن زن میباشد. طبق قوانین اسلام،

کنترل جمعیت ممنوع است، اما تصمیم در باره ناتمام گذاشتن عمل

هماغوشی باز از آن زن میباشد. محمد میگوید: "زن را نباید در

تشنگی جنسی نکه داشت و مرد نباید بیش از حداکثر چهار ماه

از سکس با زن خود سرباز زند. زمانی طولانی‌تر از این مدت

بمعنای ترور روانی زن محسوب میشود. نباید فراموش کرد که

این قوانین حدود ۱۲۰۰ سال پیش وضع شده‌اند.

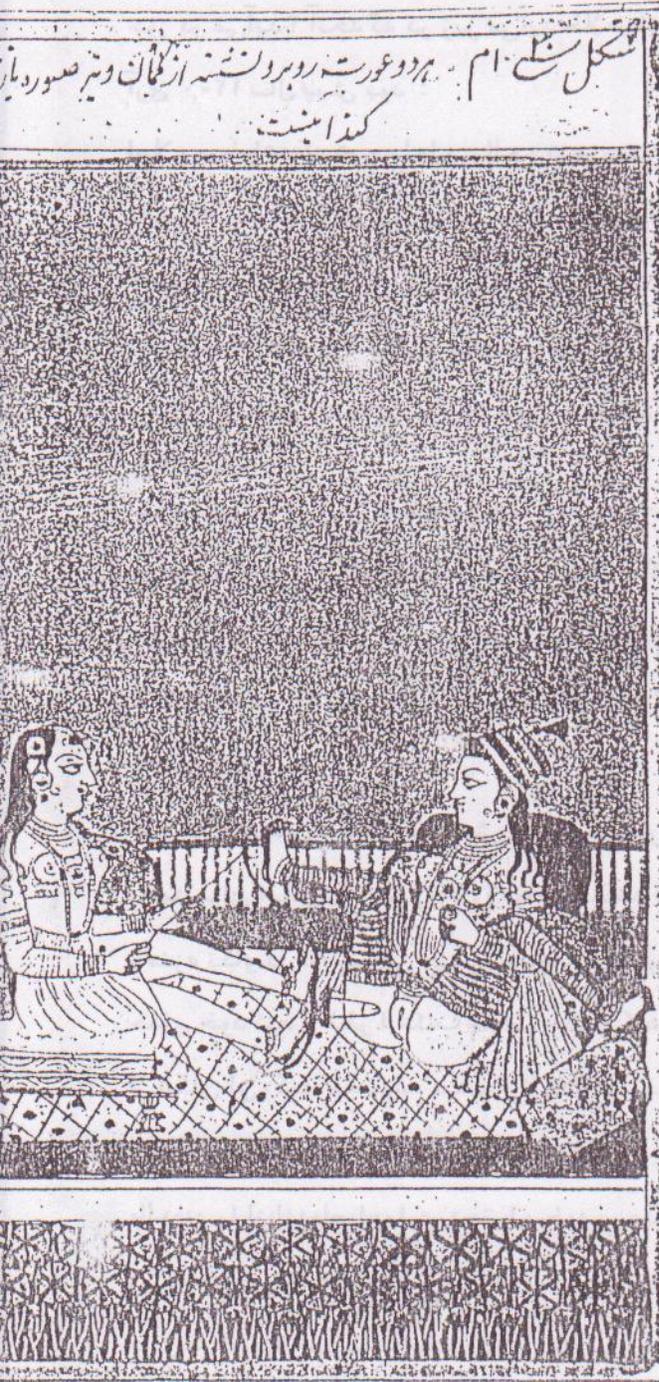
محمد میگوید که جنسیت تمایلات شدیدی است که باید آن را

پاسخ داد. داستانهای زیادی درباره رفتارهای محمد در هنگام

بیداری هوسهای جنسی او وجود دارد: رسول خدا با اصحاب و

پیروان خود صحبت میکرد، او ناکهان از جا برخاست و به

خانه یکی از زنان خود رفت. وقتی که او از اتاق خارج شد، ابتدا



غسل کرد و بعد از آن به محل تجمع یاران خود برگشت. یکی از پیروانش از او پرسید ای پیغمبر خدا، آیا شما در حالتی بوده‌اید که احتیاج به غسل داشته باشد؟ محمد جواب میدهد: بله، از جایی که نشستم، بودم، زنی را دیدم که از روبرو میگذشت و میل من تحمل‌ناپذیر شد، به همین خاطر سراغ یکی از زنانم را گرفتم، حتی شما هم باید هنگام بیداری امیالتان، بسوی همسران خود بشتابید. این دال بر این دارد که محمد نمی‌خواست به رابطه زناشویی خود خیانت کند.

طبق اسلام، ریاضت‌کشی و قتل نفس ممنوع میباشد. چرا که خلاف قانون خلقت است. دین اسلام، حشم‌پوشی، از تماس جنسی را حداکثر تا چهار ماه حایز میدانند. اگر یکی از طرفین بخواهد بیش از این مدت صبر کند، طرف دیگر حق درخواست طلاق را دارد. چرا که از نظر محمد اینکار به روان آدمی ضربه میزند. در عوض مرد حق داشتن چهار زن را دارد. اما او از یکطرف باید حمیزه به آنها بپردازد و از طرف دیگر مخارج آنان را تقبل کند. دلیل طرفداران امروزی این قانون، این است که اینکار، به مرد تعهد و مسئولیت می‌بخشد و حرائم جنسی را کاهش میدهد.

محمد در طول زندگی خود با ده زن ازدواج کرد، همه آنها بجز، عایشه بیوه بودند. مردان آنها یا در حمله و یا بر اثر بیماری کشته شده بودند. محمد، مردان خود را به ازدواج با دختران باکره تشویق میکرد، اما برای ازدواج با زنان بیوه نیز مانعی در کار نبود. بسیاری از زنان محمد، در اشاعه پیام پیغمبری اش، به او کمک و مساعدت کردند. عایشه و ام سلمه بطور فعالی، در رساندن پیام او به زنان کوشا بودند. بسیاری از قوانین مربوط به روابط و مسائل جنسی بوسیله زنان او اشاعه یافتند. آنها همینطور فعالانه زنان را در باره قوانین طلاق و یا جکونگی غنی‌تر کردن امیال و زندگی جنسی خود، راهنمایی میکردند. مثالهایی که آنها در این تبلیغات می‌آوردند، بیشتر از واقعیت زندگی خود آنها سر چشمه میکردند. مثلاً، عایشه تعریف میکند که محمد عشق و عاطفه خود را بطور مساوی بین زنان خویش تقسیم میکند. و او حتی در دوره بارداری و یا قاعدگی زن، که دوره و فصل ممنوعیت نزدیکی جنسی است، هم از ابراز مهر و محبت عاقل نمی‌ماند. طبق تعریفات عایشه، در فصل ممنوعیت آمیزش جنسی، محمد زنان خود را نوازش میکرد، آنان را می‌بوسید و بخصوص بیشتر به سینه و پستانها میپرداخت.

طبق اسلام، زن، در دوره بارداری و یا قاعدگی، حق طلاق را ندارد. و مرد راحتتر از زن میتواند طلاق بگیرد، اما برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده‌ای، هر مرد حداکثر سه بار حق طلاق گرفتن را دارد و طلاق نوبت سوم از نظر قانونی، تنها بعد از ازدواج مجدد زن، رسمیت می‌یابد.

اسلام مذهبی است پر از ممنوعیتهای جنسی. مرادوت جنسی خارج از دایره زناشویی، همچون همجنسگرایی و استمناء، اکیدا ممنوع است. حتی آنانی که با حیوانات تماس جنسی میکنند و آنانی که "با چشمان خود به ساشای بدنهای لخت و عریان میپردازند" همگی وارد جهنم خواهند شد. به عبارتی فاحشگی، فیلم و مجلات سکسی در اسلام حرام و ممنوع میباشد. حتی در محدوده روابط زناشویی هم محدودیتهایی وجود دارند. محمد میگوید که فرشتگان زمانه، مؤمنین را رها میکنند که آنان به آمیزش جنسی میپردازند. آمیزش جنسی از راه مقعد، ایجاد آگاهانه درد و سوزش برای طرف مقابل و آمیزش در

ساعات روزه‌داری و داشتن سکس در زمانی که فرمتی برای فسل قبل از زمان موعود نماز باقی نمانده باشد، همه و همه اینها در اسلام ممنوع است. اما گناه بزرگ همانا دست رد زدن به سینه هوسر زمانی که میل حسی او بیدار شده، میباش ختنه یکی از مسائلی است که بدون چون و چرا رعایت آن برای مرد اجباری است. دلیل آن مسائل بهداشتی است و باید قبل از بلوغ انجام گیرد. ختنه زنان اما توصیه میشود و دلیل آن همانا التذاذ بیشتر برای زنان در هنگام آمیزش عنوان میشود. محمد میگوید که بظر (چوچوله) نباید کاملاً قطع شود بلکه تنها باید نوك آن را برید. ولی ختنه زنان اجباری نیست. این برداشت اولیه با برداشت امروزی از ختنه زنان که تنها برای سرکوب و زایل کردن احساسات جنسی زن اعمال میشود کاملاً مغایرت دارد.

اسلام تا آنجا پیش میرود که نوعی زندگی جنسی رویایی را در بهشت وعده میدهد. محمد میگوید مردانی که وارد بهشت میشوند، هر کدام هفتاد و دو زن خواهد داشت بعلاوه دو تن از زنان زندگی زمینی خود. او افتاد میکند که قدرت و توار جنسی مرد در بهشت صد برابر بیشتر خواهد شد و هر دو هم زن و هم مرد هیچگاه از سکس خسته نخواهند شد. و همین در هر بار آمیزش مرد، زن خود را باکره خواهد یافت. او به زن در بهشت وعده جوانی، شباب، زیبایی و طراوت ابدی را وعده میدهد. اما مثل زندگی زمینی، او زن را از حق چندهمسری در بهشت هم محروم میکند. بنا به وعده محمد هم مرد و هم زن هر دو در بهشت برای همیشه سی و سه ساله خواهند بود.



تصاویر مقاله " سکس در اسلام " از دو مجموعه زب گرفته شده‌اند:

- Persisk erotik: Robert Surieus essä Ssrue Naz, ü967

- Oriental Erotica: Gabriele Mandel, \$983

وقایع اتفاقیه

چین: بتازگی تحقیقی در رابطه با مسائل چینی‌ها از طرفه Shanghai Sex Sociological Research Centre صورت گرفت.

در این تحقیق بیش از ۲۰۰۰۰ نفر شرکت داشتند. نتایج بدست آمده نشان میدهد که ۲٫۳ درصد از روستائیان شرکت کننده، به همجنسگرایی خود اعتراف کرده‌اند، در صورتی که این رقم در میان شهرنشینان ۰/۵ درصد است. همجنسگرایی در چین بعنوان پدیده‌ای غربی تلقی می‌شود و برطبق قوانین چین عملی است غیرقانونی. مراکش: همجنسخواهی در مراکش قانونشکنی محسوب می‌شود و فردی که دست به چنین عملی زند، مجازات می‌شود. این مجازات از شش ماه تا سه سال زندان است که اغلب میتوان آنرا با پول خرید.

اسرائیل: بعد از يك سری حملات خشونت‌آمیز به همجنسگرایان شهر تل‌آویو، گردانندگان نشریه " Magaim " که از طرف همجنسخواهان اسرائیلی منتشر می‌شود، دست به تشکیل کشت پاسدار زده‌اند. این کشت از پارکی که محل ملاقات همجنسگرایان است، محافظت میکند. تنها بعد از تشکیل این کشت است که پلیس دولتی، مراقبت از همجنسگراها را بهبود بخشیده است.

مالزی: " Pinx Triangle " سازمان همجنسگراهای کوالا لامپور و یا به عبارتی یکی از اولین سازمانهای همجنسگرا در يك کشور مسلمان، از وزارت بهداشت مالزی کمک و حمایت مالی دریافت کرده است. " مثلث صورتی " کارش را در سال ۱۹۸۷ با مشاورت، بازدید از مدارس و کلوبهای جوانان و دادن اطلاعات در باره همجنسخواهی و ایدز، آغاز کرد.

داغستان: چندی پیش همجنسگرایان مرد این جمهوری آسیای میانه دست به تظاهراتی علنی زدند. شعار آنها " آزادی برای همجنسگراها " و " ما زن نمی‌گیریم " بود. از آنجا که پسران بعضی از سران و ثروتمندان کشور در این تظاهرات شرکت داشتند، پلیس از هرگونه دخالتی در این تظاهرات اجتناب ورزید.

اسرائیل: مجلس این کشور، کنیسه، بتازگی قانون بسیار غیرمنتظره‌ای را بتصویب رساند که بر اساس آن تبعیض بر اساس مسائل جنسی در محل کار غیر قانونی اعلام می‌شود. سازمان همجنسگرایان اسرائیل SPPR اعلام نمود که تصویب چنین قانونی برای آنها بسیار غافلگیرکننده بوده، چرا که آنها منتظر مقاومت شدید از طرف مخالفین در مجلس بوده‌اند.

نیکاراگوئه: پلیس اولین کلوب شبانه همجنسگرایان پایتخت، ماناگوا، را تعطیل کرده است. رئیس پلیس شهر علت این امر را واقع بودن این کلوب در منطقه حفاظتی کاخ ریاست جمهوری عنوان میکند.

اوکراین: این کشور قانون بجا مانده از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که نزدیکی جنسی بین مردان را ممنوع میکرد، لغو کرده است.

دنباله وقایع اتفاقیه

آرژانتین: قوه قضائیه این کشور تقاضای بزرگترین سازمان همجنسگرایان در آرژانتین، مجمع همجنسگرایان آرژانتین، برای ثبت و قانونی شدن را رد کرد. مسئولین کشور گفته‌اند که این گروه سعی دارد جامعه را به قبول نوعی هویت جنسی وادارد که "با طبیعت و ارزش انسانی" در ستیز است. لازم به توضیح است که رئیس جمهور آرژانتین، کارلوس منام، اخیراً طی مصاحبه‌ای اعلام کرد که در سفر اخیرش به آمریکا با گروهی همجنسگرا دیدار داشته و حمایت قانونی از همجنسگرایان برای او امریست بسیار طبیعی.

آلمان: آکادمی بایرن برای هنرهای زیبا، جایزه "Hors Bienek" را به جان آش بری، شاعر نیویورکی اعطا نمود. برنده این جایزه خود همجنسگراست و این جایزه که مبلغ آن سی هزار مارك آلمانی است، یادبودی است برای نویسندگان همجنسخواه که در اثر ابتلا به بیماری ایدز جان خود را از دست داده‌اند.

ایتالیا: بعد از سالها مبارزه، بالاخره رویای برپایی "Centro Gay" در رم پایتخت ایتالیا، به واقعیت پیوست. این مرکز شامل يك موزه، بایگانی اسناد و مدارك در رابطه با همجنسگرایی و همچنین سردبیری سه نشریه می‌باشد. همینطور يك گروه تئاتر و يك گروه مشاور اجتماعی در رابطه با این مرکز فعالیت خواهند داشت.

اسپانیا: سندیکای کارگران اسپانیا CCOO در برنامه خود در رابطه با آگاهی از میثاق جنسی، مطالبه حق ازدواج برای همجنسگرایان را نیز گنجانده است. قرار است این سندیکا در آینده‌ای نزدیک نتیجه تحقیقات خود در مورد آزار و انیت همجنسگرایان در محل‌های کار را منتشر کند.

هلند: دولت هلند اعلام کرده که هر سرباز هلندی که برای انجام مأموریت به خارج از کشور فرستاده میشود، از حق همراه دوست (معشوق) خود نیز برخوردار میشود. اگر این امر از طرف کشور مقابل رد شود، دولت هلند وارد عمل شده و از حقوق انسانی افرا، تبعه خود دفاع خواهد کرد.

حکایتی از گلستان سعدی

یکی را از متعلمان کمال بهجتی بود و معلم از آنجا که حس بشریت است، با حسن بشره او معاملتی داشتی و وقتی که بخلوتش دریافتی، گفتی:

نه آنچنان بتو مشغولم ای بهشتی روی

که ییاد خویش در ضمیر می‌آید

ز دیدنت نتوانم که دیده ببربندم

و گر مقابله بینم که تیر می‌آید

باری پسر گفت آنچنان که در آداب درس من نظری می‌فرمائی در آداب نفسم نیز تامل فرمای تا اگر در اخلاق من ناپسندی بینی که مرا آن پسند همی نماید، برآنم اطلاع فرمائی تا بتبديل آن سنی کنم. گفت ای پسر این سخن از دیگری پرس که آن نظر که مرا با تست، جزء هنر نمی‌بینم.

عیب نماید هنرش در نظر

چشم بد اندیش- که برکنده باد

دوست نبیند بجز، آن يك هنر

ور هنری دارد و هفتاد عیب

شرکت ایران در چهاردهمین کنگره جهانی همجنسگرایان در پاریس

ایلگا سازمانی است جهانی، متشکل از اتحادیه‌ها و گروه‌های همجنسگرا در کشورهای مختلف جهان. هر ساله کنگره خود را در یکی از کشورهای جهان برگزار میکند، و امسال نوبت فرانسه بود. عمده اعضای ایلگا از کشورهای اروپای غربی و آمریکا هستند، اما در یکی دو ساله اخیر بعضی از کشورهای آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و همچنین اروپای شرقی به عضویت این سازمان درآمده‌اند. در کنگره اخیر ایلگا در فرانسه، پنج کشور آسیایی شامل ژاپن، تایلند، هندوستان، مالزی و ایران (برای اولین بار) شرکت کرده بودند.

نماینده ایران در این کنگره را گروه هومان (گروه دفاع از حقوق همجنسگرایان ایران) بود. شرکت ایران در این نشست جهانی با استقبال وسیع کشورهای شرکت‌کننده روبرو شد. در همان روز افتتاح کنگره، نماینده هومان برگزاری یک تظاهرات در برابر سفارت تهران، در فرانسه را پیشنهاد کرد که مورد تایید شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

روز پنجشنبه ۱۶/۷/۱۹۹۲ بطور همزمان تظاهراتی در حلقه سفارت‌های نیکاراگوئه، مکزیک و دولت تهران صورت گرفت. کنگره ایلگا، نامه‌ای در اعتراض به اعمال فشار و تضيیقات نسبت به همجنسگرایان در ایران، تهیه کرده و قرار بود که این نامه اعتراضی در روز تظاهرات، توسط نماینده هومان و دبیر اول ایلگا به سفیر تهران در فرانسه تسلیم شود، اما پلیس از ورود تظاهرکنندگان به محوطه سفارت ممانعت بعمل آورد. در تظاهراتی که در برابر سفارت‌های تهران و مکزیک صورت گرفت (این دو سفارت نزدیک به هم و در یک خیابان واقع شده‌اند) در مجموع ۹ نفر محروح شدند.

مخبرین همجنسگرا از کنگره یک هفته‌ای ایلگا در فرانسه، عکس، خبر و گزارشاتی به سراسر جهان مخابره کردند. در این کنگره از طرف ایلگا پیشنهاد عضویت افتخای به گروه هومان داده شد که مورد استقبال نماینده هومان قرار گرفت. در پایان کنگره، ژانین پیشنهاد نشست از کشورهای آسیایی، عضو ایلگا را ارائه داد. قرار است این نشست در یائیز امسال در مانیل، پایتخت فیلیپین برگزار شود.



گروه هومان

(گروه دفاع از حقوق همجنسگرایان ایران)

از آن همه زنان و مردان همجنسگرای ایرانی
در هر کجا که هستند، می باشد.

برای دریافت مجله و تماس با گروه هومان
با ما به آدرس زیر تماس بگیرید.

HOMAN
c/o RFSL, Box 45090
S-104 30 STOCKHOLM
SWEDEN

آدرس:

Postgiro 635 26 30-5

اسکار وایلد مرد تناقض بود

نویسنده: بیورن روسدال

برگردان: نادر

گفته میشود که پیروزی، پیروزی می‌آفریند. این شاید صحیح باشد، ولی هیچ پیروزی نمی‌تواند محافظی در مقابل شکست باشد که وقتی از راه میرسد، واقعی‌تر از هر چیز است. پیروزی، در زهدان خود، شکست و نابودی را نهفته دارد. فاتحان در نهایت شکست خورده تاریخ فراوانند. با اینهمه خیلی‌ها با سرنوشت شوخی میکنند، خیلی‌ها با دم شیر بازی میکنند.

شکست اسکار وایلد، شکست بزرگی بود. در قعر آنهمه محبوبیت و سرشناسی، خستگی و سکوت زندان نهفته بود. ویکتوریا انتقام گرفت و چه انتقام سخت و بی‌رحمی.

هنر و زندگی موضوعاتی بودند که اسکار وایلد بدانها می‌پرداخت. اما آیا زندگی حامل زیبایی بود؟ آیا هنر حقیقتی در خود داشت؟ کمتر کسی اینهمه به لباس و ترفین خانه خود میرسید. اما در برابر تصویری که آئینه از وایلد نشان میداد، زیبایی و حقیقت هیچکدام ساختگی و مصنوعی نبود. هیچکدام از کارهای او درست و حسابی از آب در نیامد. در عین حال جملات کوبنده و گاه پرمعنی در نوشته‌های او فراوانند، اما نوشته‌های نامفهوم و صحنه‌های بی‌روح هم کم نیستند. تلاشها و جستجوهای او بیشتر و بزرگتر از آثار او بحساب می‌آیند. همزمان با نیچه، او میخواست خودش و زندگی‌اش را بصورت یک اثر هنری خلق کند. او کتابهای یونانیان قدیم را مطالعه کرد، و در اغلب آثار خود از آنها نقل قول می‌آورد. او یونانی‌تر از خود یونانیان بود.

در زمان او، در مدارس انگلیس، جوانان را به سبک یونانیان تربیت میکردند. مطالعه کلاسیکهای آنتیک، به آنها راه و رسم کشورداری را می‌آموخت. جوانان در این کلاسها و در سالنهای خواب با هم بازی میکردند و عشق می‌ورزیدند. از جمله عادات یونانیان - همجنس‌بازی، لواط و بچه‌بازی، اینها کلماتی بودند که نمی‌بایست بر زبان جاری میشدند، اما هر روز و شاید هر ساعت در این مدارس انجام میگرفتند. وایلد دانش‌آموز زرنگ و باهوشی بود. او عاشق اشعار یونانی شده بود. در میان معلمین و استادان او کسانی با تمایلات همجنس‌خواهانه وجود داشتند، اما اینگونه تمایلات بیشتر و معمولاً در قالب هنری ارائه میشدند.

اسکار وایلد از مرز سی سالگی گذشته بود که برای اولین بار با مردی همبستر شد. در آن زمان او مرد معروفی بود. زن و بچه داشت. او دوستان زیادی داشت و لندن در زیر پایش بود. در آکسفورد او با دانشجوی جوانی بنام روبرت روس (Robert Ross) آشنا میشود، به او دل می‌بازد و با او همبستر میشود. دیگران هم برای جلب نظر او تلاشهایی میکنند اما عشق بزرگ او، همانا آلفرد دگلاس (Alfred Douglas) میشود.

عشق و تمایل وایلد به دگلاس، زیبا بود و بسیار زیبا شروع شد، و دگلاس هم برآستی که زیبا و جذاب بود. در این دوره اسکار وایلد با دانشجویان دیگر هم رابطه داشت. او زندگی دوگانه‌ای را شروع کرده بود، از یک طرف زن و بچه و از طرف دیگر دانشجویانی که وقتی او را در میان بازوهای قدرتمند خود می‌فشردند، او را به مرز ناشناخته‌های زندگی، که او عاشق آن بود، میکشانند. از یک طرف محبوبیت در میان توده‌ها و از طرف دیگر تشنگی هوس جوانان. اما این دوگانگی چندان بطول نکشید. دگلاس پر مدعا بود. او فکر میکرد که خود میتواند یک اسکار وایلد دیگر در عرصه هنر شود. و دست

دنباله اسکار وایلد

روزگار خانواده دگلاس را به جان وایلد انداخت. دگلاس با اسکار وایلد همخوابگی کرده بود، و مزه عشق و هوس او را چشیده بود. هم او بود که وایلد را به دیگر دانشجویان همجنسخواه معرفی کرده بود. تا جایی که آندو در تماسهای سریع و زودگذر برای يك همخوابگی با هم مسابقه میدادند. هر کدام از آنها تنها با پرداخت چند پوند، میتوانست جوانی را با خود به هتل بکشاند.

پدر دگلاس که مرد خشن و بی‌رحمی بود، تصمیم میگیرد که پسر خود را نجات دهد و هیچ چیز نتوانست او را از اینکار منع کند. او به دادگاه مراجعه کرد. در نتیجه اسکار وایلد به دو سال بیگاری در زندان محکوم شد. دوره زندان، دوره‌ای سخت و طاقت‌فرسا بود. تنهایی، ممنوع‌الملاقات بودن، کار سخت و بیماری همه اینها از توان وایلد که روحی خسته و تشنه زیبایی داشت، بیشتر بود. بعد از مدتی به او اجازه مطالعه داده میشود و در پایان دوره زندان، اجازه یافت که دوباره دست به قلم ببرد. او رابطه‌اش را با دگلاس قطع کرد تا دوباره در تبعید عاشق‌هاو شود.

زندگی اتکار وایلد يك درام کامل است. او جراثت کرد با احساسات و تمایلات متناقض و نقطه نظرهای متغیر زندگی کند. او به يك شکل و شیوه زندگی قانع نبود. اسکار وایلد مرد تناقض بود. او سوسیالیست بود، اما در عین حال فردی که او در آن واحد که پدری دلسوز برای خانواده‌اش بود، تنبل، و بی‌حال و حوصله هم بود. هیچ چیز ثابت در او وجود نداشت. همه‌اش تناقض و درگیری بود. او در یکی از نامه‌های خود مینویسد: گاهی اوقات فکر میکنم که زندگی يك هنرمند، نوع خودکشی دراز مدت نشئه‌کننده‌ای است و من از این امر اصلاً ناراحت نیستم. و یا در جایی دیگر مینویسد: روح انسا پیر و فرسوده زاده میشود و بمرور جوان و جوانتر میشود، این شوخی زندگی است. اما تن آدمی جوان زاده میشود و بمر پیر و فرسوده میگردد، این تراژدی زندگی است. بقیه در



تعاوییری از اسکار وایلد. این عکسها در ژانویه ۱۸۸۲ در نیویورک گرفته شده‌ا

اسکار وایلد و آلفرد دگلاس در سال ۱۸۹۳.

دنبله اسکار وایلد

در سالهای تبعید، در زندگی وایلد مسیحیت، سوسیالیسم و رنج کشیدن با انسان دردمند، درهم می‌آمیزند. او هسته پنهان زندگی را رنج کشیدن میدانند و معتقد است که هنر زندگی می‌آفریند.

نزد وایلد، هنر خواسته‌ها و نیازهای جدیدی را بر انسان کشف میکند، شکل میدهد و به آنها پاسخ می‌گوید. هدف هنر برای وایلد، حمله به پیشداوریها و نفوذ به مرز ممنوعیت‌هاست. هنرمند باید رهائی خود را جستجو کند. هنر اسکار وایلد راهی کتابخانه‌ها و نمایشگاهها نمیگردد، بلکه به راه تنبیر زندگی گام مینهد.

وایلد بعد از رهایی از زندان مدتی با دگلاس زندگی کرد ولی او تنها بود. دوستان قدیمی او را ترک کرده بودند. او روز بسیت و نهم نوامبر ۱۹۰۰ چشم از جهان فرو بست. شکست شلخته‌ای نصیب وایلد شده بود. اما او در اوج تنهایی، بی‌پولی و خستگی باید دانسته باشد که زندگی او زمانی برای آیندگان، پیروزی تلقی خواهد شد. هر چیزی به عکس خود تبدیل میشود در بطن هر شکستی، پیروزی است حقارت و حقیری هما مبارزه نکردن است. بکشیم تا اسکار وایلدهای زمانه خود را درک کنیم.

برای اطلاع

خوانندگان علاقمند به خاطرات اسکار وایلد در دوره زندان میتوانند به کتاب "اسکار وایلد" (Oscar Wilde)، زندان دینگ، ترجمه مسعود فرزاد مراجعه کنند. هومان



کاریکاتوری از اسکار وایلد.



"همجنسگرایی ایرانی توقع دارد که "اپوزیسیون" او را از هذیان‌هایش برهاند"

نامه رسیده از یکی از خوانندگان مجله هومان

دوستان عزیز

مکتوبتان رسید. خواسته بودید که در صورت امکان در مسابقه مقاله و داستانونیسی شما شرکت کنم. من قصد شرکت

در مسابقه را ندارم اما بعد از مطالعه شماره ۵ مجله هومان، تصمیم گرفتم این نامه را برای شما بنویسم.

انسان موجود عجیبی است. نیاز به صحبت و درد دل با دیگران، نیاز به اینکه بگوید این من هستم و او را همانطور

که هست بپذیرند. او نمی‌خواهد در سایه‌اش و بدتر از آن در سایه‌های سایه‌اش زندگی کند. می‌خواهد در روشنایی باشد

برای من دیگر عادت شده که شبها وقتی به رختخواب می‌روم و از بسته بودن در اتاق مطمئن می‌شوم، با خودم حرف

بزنم و هذیان بگویم. مگر نه اینکه انسان موجودی چند بعدی است و بنا به نظریات روانشناس سوئیسی یانگ

روان او پیوسته در پی رسیدن به کمال است. این انسان عجیب و چند بعدی دوست دارد که اطرافیانش و حتی

جامعه‌ای که در آن زندگی میکند، درباره‌اش قضاوت کنند، محکومش کنند و یا او را بری از خطا بدانند. ولی در هر صورت

او را بحساب آورند که انسان است و حق و حقوقی دارد. تا از سایه‌اش و سایه‌های سایه‌اش راحت شود و مفری برای

بروز هیجانانگیزها و آرزوهای خود بیابد. اما وقتی به او اعتراف نکنند، یعنی نه او را به محاکمه میکشند و نه او را

بری از خطا بدانند، به این معنی است که او اصلا وجود ندارد، سایه نیست که کسی دمی در آن بیاساید، آرزو نیست

که کسی برایش آهی بکشد، فکر نیست که به مخیله‌ای وارد شود، در یک کلام او هیچ است، خلاء است. اما این تن بی‌

باید خود را به جلو بکشد، زندگی کند، راه برود و القمه همانطوری باشد که دیگران میخواهند.

این انسان هیچ شده، خلاء شده، در رگهای این تن جاری میشود و جنگی سخت در تمامی جبهه‌ها در میگیرد. و بیچار

این تن بی‌قرار که با دستی خنجری در رگهای خود فرو میبرد تا آن "خلاء" را نابود کند و با دستی ماسکش را محکم

می‌چسبد که مبادا کسی ناظر این جدال شود. دوستی در یکی از نوشته‌های خود، بنام "یادداشت‌های شبانه" در یکی از

شماره‌های هومان نوشته بود "تنهایی در رگهای تنم جاری است" و من پی بردم که که در آن لحظه، تن در حال عقب

نشینی بوده و آن "خلاء" میرفت تا تنی را از جهان ما بر باید. "خلاء" به سطح رسیده بوده، تن را مجبور به اعتراف

کرده. در دنیای سیاست اینگونه تسلیم‌ها معمولا اینگونه بیان میشوند: ما قصد تجاوز به خاک کشوری نداریم و فقط

برای امنیت مرزهای خود دست به دفاع زده ایم. ما از سازمان ملل میخواهیم که ۰۰۰۰۰۰ اما در عرصه این جنگ

"داخلی" سازمان مللی وجود ندارد. سازمان ملل همانا اجتماع است. پس قبل از همه ما زوخیستهای یعنی نویسندگان

شاعران، نقاشان، رمانتیکها و امثالهم فریاد بر می‌آورند که بیشتر، بیشتر. و بر آتش جنگ میدمند. آنگاه مغلوب

یعنی تن بیچاره را بر دستها بلند میکنند، به آن جایزه میدهند و تعریف میکنند که چه شاعر خوبی و یا چه نویسنده

زبردستی. بله دوستان میخواستم هدف‌تان را افشا کنم. شما خواستار این هستید که من برایتان مقاله و یا داستان

بنویسم. البته درست است که تنهایی اتاق زایمان افکار است اما من از شما زرنکترم و تن من به این سادگیها به

شکست خود اعتراف نمیکند. من ماسکم را محکم گرفته‌ام و پشتبند آن هم خرافات و جهل اجتماعی است و آن حماقتی

که بیش از همه "اپوزیسیون" گرفتار آن است. اصلا به من چه که کسی هنگام نزدیکی به زنش، برای انزال حتما باید

برادر خانمش را در ذهن تجسم کند؟ به من چه که هر شب مردی خانمش را با فرو کردن دم خود در او، شکنجه میدهد

موفقیت نویسنندگان زرتشتی هند در غرب

بعد از ورود اسلام به ایران، عده بسیار زیادی از زرتشتیان ایران کشور را ترك کرده، بسمت هندوستان حرکت میکنند. گفته میشود که هنگام ورود این عده به خاک هند، پادشاه وقت هندوستان به پیشواز آنها آمده و با کمال عذرخواهی به آنها توضیح میدهد که جای خالی برای سکونت در کشور او باقی نمانده، بعد از آن او لیوانی پر از شیر را نشان میدهد و میگوید هندوستان هم مثل این لیوان لبریز از شیر، پر از سکنه است. رهبر زرتشتیان در مقابل این حرکت پادشاه هند، مقداری شکر برداشته، در لیوان شیر می‌ریزد. ترجمه این کار به این معنی است که ما زرتشتیان میتوانیم خودمان را با محیط و مردم هند و راه و رسم کشور، وفق داده و جذب محیط شویم. بعد از آن به زرتشتیان اجازه ورود به خاک هند داده میشود.

دقیقا نمیدانم که ریشه سلمان رشدی به همان زرتشتیان ایرانی برمیگردد یا نه اما هر چه هست تاثیر نوشته‌های رشدی بخصوص کتاب "کودک نیمه شب" که در اوائل دهه هشتاد بچاپ رسید، بر نویسندگان نسل جدید هند، بخصوص نویسندگانی که کتابهای خود را بزبان انگلیسی مینویسند و بیشتر از همه نویسندگان زرتشتی، غیر قابل انکار است. سلمان رشدی به خود جرات داد که از هند و پدیده‌های هند به زبان انگلیسی بنویسد، بدون آنکه فرهنگ لغتی برای توضیح آن پدیده‌ها برای خوانندگان غرب، ضمیمه کتابهای خود کند. نویسندگان نسل جوان هند هم از همین روش رشدی استفاده میکنند.

یکی از نویسندگان با اصل و نسب زرتشتی، فردوس کنکا نام دارد که حداقل در انگلستان شهرتی برای خود دست و پا کرده است. فردوس کنکا، نویسنده فلجی که صندلی چرخدارش او را به هر کجا بخواهد، میبرد. او متولد بمبئی است و اولین کتاب او بنام "Trying to Grow" در سال ۱۹۹۰ بچاپ رسید که میتوان گفت سرگذشت خود نویسنده است. از آنجا که کتاب یاد شده با استقبال زیادی در محافل ادبی انگلیس مواجه شد، فردوس به پیشنهاد ناشر بلافاصله کتاب دیگری تحت نام "Heaven on Wheel's" بچاپ رساند. به اعتقاد منتقدان هند، کتاب اخیر بدون بازنگری و با عجله منتشر شده و نویسنده به توان خود بیش از اندازه بها داده است. عده‌ای دلیل محبوبیت فردوس را فلج بودن و همجنسگرا بودن او میدانند. اما خود فردوس از اینهمه شهرتی که نصیب او شده، ابدا ناراضی نیست بخصوص که همجنسگرایی او در لندن امری عادی و معمولی تلقی میشود.

نویسنده دیگری که اصل و نسب زرتشتی دارد، باپسی سیدوا نام دارد. اولین کتاب سیدوا بنام "Candy-man" در سال ۱۹۸۸ بچاپ رسید. این کتاب بیشتر در برگیرنده خاطرات نویسنده در زمان جدا شدن پاکستان از

هند است و جریان مهاجرت هندیها و سیکها از پاکستان فعلی به سوی هندوستان و مهاجرت مسلمانان از هند بسمت پاکستان بشکلی جالب و با احساس بیان میشود. بقیه در

سالهای سال کتابهای نویسندگان انگلیسی در پشت ویتترین کتابفروشیهای هند چشمک میزدند اما این بار کویا قفیه بالعکس شده و اینبار نویسندگان نسل جوان هندی هستند که هر روز دایره خوانندگان خود در انگلستان را گسترش میدهند، و کتابفروشیها در انگلستان با کمال میل نوشتههای آنها را در معرض دید رهگذران قرار میدهند. تعداد این نویسندگان فراوان است اما به نظر میرسد که نویسنده زرتشتی، فردوس کنکا از همه آنها حداقل در انگلیس موفقتر باشد.

نویسنده: اوا لیندگرن

ترجمه با تخلص: نادر

نیمه دیگر

نیمه دیگر نشریه ای است به دست زنان، ریزه مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان.

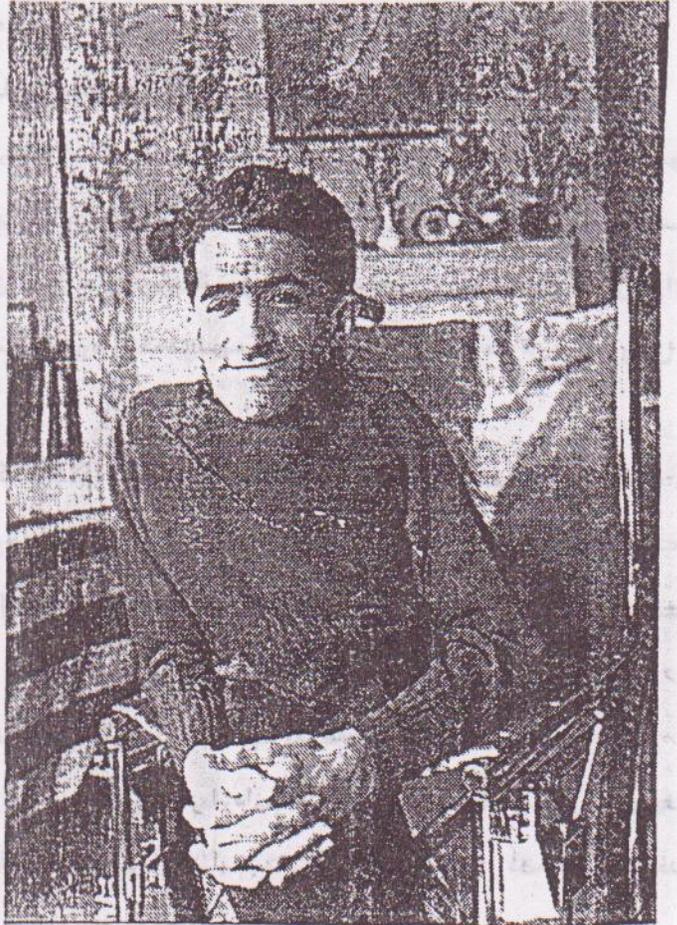
نیمه دیگر شماره ۱۵/۱۶

شامل:

آزاده آزاد، «نیمه دیگر: مفهوم عمیقاً مرد سالاری»
فرزانه میلانی، «پرده را برداریم، بگذاریم احساس فرایی بخورد»
فردوس / هاشمی نژاد، «چهره زن از دیدگاه علی شریعتی»
مرنیسی / منشی پور، «چه کسی زیرک تر است: مرد یا زن»
منتشر شد.

برای اشتراك نیمه دیگر با آدرس زیر تماس بگیرید:

Nimeye Digar
P. O. Box 1468
Cambridge, MA 02238, USA



فردوس کنکانویسنده زرتشتی هند و مندلی چرخدارش

اصلاح يك اشتباه

در شماره گذشته مجله هومان (شماره پنج) در مطلب مربوط به نویسنده ژاپنی یوکیو میشیما، نوشته شده بود که تاکنون کتابی از این نویسنده به زبان فارسی ترجمه نشده. اما یکی از دوستان زحمت کشیده بکتاب "هفت پل" نوشته میشیما را برای ما ارسال داشته، این کتاب توسط اختر عمادی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۶۴ در سه هزار نسخه در تهران بچاپ رسیده است. امیدواریم که اگر خوانندگان هومان از ترجمه دیگر کتابهای میشیما اطلاع موثق دارند، آنها را به ما اطلاع دهند. هومان

فیلیپ ۶۲ ساله است. ولی میشود گفت که ۱۵ سال جوانتر به نظر میرسد. او اینک بازنشسته شده است. وقتی به او توضیح دادم که تجربیات او برای همجنس‌خواهان و حتی غیرهمجنس‌خواهان ایرانی بسیار مفید خواهد بود، برای مصاحبه با هومان ذوق زده شد. فیلیپ لیسانس خود را از دانشگاه آکسفورد در رشته ریاضیات گرفته و بعد از آن ۲۹ سال در يك شرکت بیمه، یکی از بزرگترین شرکتهای بیمه در انگلستان، کار کرده است. در طول این مدت، بمدت هفت سال برای امتحانات انستیتو درس خوانده و فارغ التحصیل شده است. حرفدای که فیلیپ بدان مشغول است، یکی از پردرآمدترین حرفه‌هاست و بسیار پرمسئولیت میباشد. تا آنجائیکه من میدانم معادل فارسی این حرفه در زبان ما وجود ندارد. فیلیپ در پنج سال گذشته استاد اقتصاد در دانشگاه لندن بوده و در حال حاضر بعنوان مهمان در دانشگاههای مختلف تدریس میکند.

هومان: فیلیپ، نتشکرم از اینکه به درخواستم برای مصاحبه با هومان جواب مثبت داده‌ای. مايلم خیلی چیزها ازت پرسم اما مصاحبه را با يك سؤال کلی شروع میکنم. به نظر شما يك فرد همجنسگرا بایستی دارای چگونه خصوصياتی باشد؟

فیلیپ: همجنسگرایان باید آزاداندیش باشند و از هرگونه تعصبات مذهبی، نژادی، سیاسی و از تعصبات در مورد سالمندان بدور باشند. آنها بایستی انساندوست و یار و یاور اقلیت‌ها باشند. آنها بایستی از جنسیت خود شرم داشته باشند. باید با همدیگر همکاری کنند تا همه همجنسگرایان با هم متحد شوند و سازماندهی کردند. بخصوص باید به همجنسگرایانی کمک کنند که در انزوا بسر میبرند، تا این افراد طبیعت خود را پذیرفته با جاسه همجنسگرایان درآمیزند.

هومان: چه موقع متوجه شدي که همجنسگرا هستی و چگونه طبیعت خود را پذیرفتی؟
فیلیپ: من از همان آغاز نوجوانی به احساسات همجنس‌خواهانه خودم، که خیلی هم شدید بودند، پی بردم. اگر چه در آن زمان، در باره اینگونه مسائل اصلا صحبتی نمی‌شد. من هرگز نمی‌خواستم متفاوت با آنچه بوده‌ام، باشم، از اینرو میتوانم بگویم که من همیشه بعنوان يك همجنسگرا، از همان ابتدا خودم را قبول کردم و در این مورد هم مشکلی نداشتم.
هومان: برخورد خانواده‌ات چطور بود؟

فیلیپ: من از خانواده‌ای می‌آمدم که در آن اصلا از مسائل جنسی در کل صحبتی پیش نمی‌آمد. و من از بعد از آنکه از همان ابتدا برای خانواده‌ام روشن کردم که به دختران علاقه‌ای ندارم، هیچگاه، آشکارا با خانواده‌ام در باره جنسیت خود صحبتی نداشتم. آنها میدانستند که من با مرد دیگری زندگی میکنم که آنها او را بعنوان دوست من قبول کرده‌اند و از این لحاظ هیچ ناراحتی نداشتند. هرچند گاهی بطور غیرمستقیم نظرات ضد همجنسگرایی خود را عنوان میکردند.

هومان: کمی از تجربیات خودت در دانشگاه برایم بگو. از چه نظر دانشگاه‌های امروز بهتر از دوران جوانی تو هستند؟
فیلیپ: در زمان من، همجنسگرایی در انگلستان غیرقانونی بود و شدیداً سرکوب میشد. در مقایسه با آن، امروزه تمام دانشگاهها انجمن همجنسگرایان خود را دارند و دانشجویان همجنسگرا براحتی همدیگر را ملاقات میکنند. وقتی من در آکسفورد بودم، یکبار مسئولین کالج به همجنسگرا بودن چند دانشجو مشکوک شده بودند. یکی از آنها اسم مرا هم داده بود، اگرچه من از گروه آنها نبودم. من برای مدتی خیلی دلهره داشتم که مبادا مشکلی برایم ایجاد کند ولی بخیر گذشت، و آنها مرا به کشیش کالج معرفی کردند تا مرا "براه راست" هدیت کند. در حالی که امروز از این مسائل خبری نیست.

هومان: در انگلستان تا قبل از سال ۱۹۶۷ (سل قانونی شدن همجنسگرایی)، همجنسگرایان چگونه همدیگر را پیدا میکردند؟
فیلیپ: بعضی محله‌های عمومی (CLUBS) در لندن و شهرهای بزرگ دیگر در نزد همجنس‌خواهان معروف بود. و آنها معمولاً در اینگونه جاها همدیگر را ملاقات میکردند. علاوه بر آن کلوبهای خصوصی هم وجود داشتند که اعضای آنها بیشتر همجنسگرا بودند. البته بصورت آشکار هیچ نوع شکل و یا سازمانی برای همجنسگرایان وجود نداشت.

هر کسی که در شهر کوچک و یا روستا زندگی میکرد، در انزوا بود و هیچ کس را نداشت که با او صحبتی بکند و یا همجنسگرای دیگری را ملاقات کند. این مشکل تا حدودی تا همین امروز هم عمل میکند.

هومان: آیا وضعیت همجنسگرایان از سال ۱۹۶۷ تا بحال خیلی بهتر شده؟ چه چیزهایی هنوز احتیاج به تغییر دارند؟

فیلیپ: مسلماً قانون ۱۹۶۷ که بتصویب مجلس رسید، آزادیهای زیادی به همجنسگرایان داد. انجمنهای بسیاری شروع به فعالیت کردند، مجلات همجنسگرایان اجازه انتشار قانونی بدست آوردند و... نباید فراموش کرد که در دهه شصت و دهه هفتاد در جوامع غربی جنبشهای اجتماعی وسیعی در جریان بودند و جنبش آزادیهای جنسی جزئی از آن جنبش وسیعتر بود. اما در دهه هشتاد، بخاطر شیوع بیماری ایدز و خطر سرایت آن و همینطور جنجالهای مطبوعات در این باره، در مردم تعصبات زیادی نسبت به همجنسگرایان و کلاً اقلیتها بوجود آمد. خواسته اصلی ما بایستی برابری تمام و کمال با غیرهمجنسگرایان، در مقابل قانون، باشد. در حال حاضر برای غیرهمجنسگرایان سن قانونی برای شروع روابط جنسی ۱۶ سال است در حالی که برای همجنسگرایان مرد مرز سنی ۲۱ سال تعیین کردهاند.

هومان: بعنوان کسی که ۲۵ سال از زندگی خود را با مرد دیگری گذرانده، چه نصیحتی برای زوجهای جوان داری؟

فیلیپ: بدون در نظر گرفتن نوع جنسیت، برای هر رابطه جنسی بایستی خصوصیات مشابهی بین دو فرد باشد. دید آنها در باره زندگی، طریقه و سطح زندگی باید شبیه باشد و اگر آندو علاقه‌های مشابهی مثلاً علاقه به موسیقی، ادبیات و فعالیتهای داشته باشند بسیار خوب خواهد بود. آن دو فرد بایستی برای همدیگر احترام فراوان قائل باشند و در باره مشکلات خود با هم مشورت کنند و به این امر آگاه باشند که هر رابطه‌ای زیربوم خود را دارد.

هومان: آیا فکر میکنی که روزی برسد که همه غیرهمجنسگرایان دنیا با همجنسگرایی آشتی کنند بدون تعصب با آن برخورد کنند؟

فیلیپ: خیلی مشکل است که چنین ایده‌آلی را تصور و یا پیش‌بینی کرد. این مثل آن است که بگوئیم آیا روزی میرسد که هرگونه تعصبات را در جامعه ریشه‌کن شوند. اگرچه ما بایستی امیدوار باشیم که شرایط اجتماعی روز بروز و بتدریج رو به بهبودند.

هومان: آیا فکر میکنی که از سال ۱۹۶۷ تا به امروز برخورد غیرهمجنسخواهان تغییر کرده؟

فیلیپ: در میان تحصیلکردگان بنظر می‌آید که تعصبات ناچیزی باقی مانده باشد؛ البته هنوز بسیاری از آنها نمیتوانند بپذیرند که همجنسگرایان در ملاء عام همدیگر را ببوسند. اما در میان مردم عام و غیر تحصیلکرده هنوز تعصبات بسیار عمیقی وجود دارد. اگر چه اخیراً طی رفراندومی روشن شد که اکثریت افراد جامعه با همجنسگرایان برخورد مثبتی دارند و تنها با خواسته ما مبنی بر حق فرزندخواندگی روی مساعد نشان نمیدهند.

فیلیپ عضو هیئت مدیره سازمان مسکن می‌باشد و همچنین حسابدار گروه.

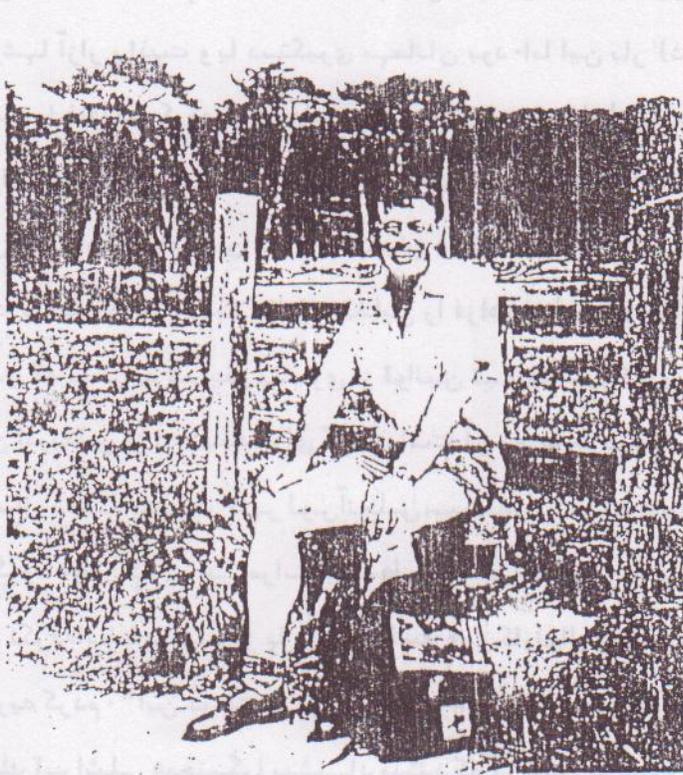
همجنسگرایان محلات کینگتون و ریچموند است. این گروه حدود یکصد عضو دارد و بیست سال است که فعالیت میکند. هدف این گروه فراهم کردن برنامه‌های اجتماعی، مهمانی، جلسات بحث و غیره میباشد. فیلیپ ماشین ندارد و معتقد است که برای حفظ محیط زیست و سلامتی خود بهتر است از پیاده‌روی و یا دوچرخه‌سواری استفاده کرد و یا وسائل نقلیه عمومی استفاده کرد. خانه وی بسیار با ذوق تزئین شده و در کتابخانه‌اش پارویی بر دیوار نصب شده است. نام او و سایر افراد تیم قایقرانی کالج او برنگ صلائی بر روی پارو نوشته شده. تیم آنها در سال ۱۹۵۱ قهرمان مسابقات قایقرانی کالجهای دانشگاه آکسفورد شده است.

هومان: میدانی که امسال در ماه ژوئن در لندن برگزار میشود و انتظار میرود که قریب صد هزار نفر از تمام نقاط اروپا به لندن بیایند. نظر تو در اینبار چیست؟ آیا فکر میکنی که همچون تظاهراتی لازم است؟

فیلیپ: بله، بسیار لازم است. اینگونه تظاهرات برای بالا بردن روحیه همجنسگرایان بسیار مفید و واجب است. من فکر میکنم که هر چه افراد بیشتری در این تظاهرات شرکت کنند و هرچه جمعیت بیشتر باشد، تاثیر بیشتری بر سیاستمداران خواهد داشت. و از لحاظ سیاسی بسیار مهم است. من شك دارم که مردم کوچه و بازار به اینگونه

تظاهرات توجه زیادی بکنند. اما این برای ما بایستی تجربه والا و بی نظیری باشد. برای تمام آنهاست که در آن شرکت میکنند. من خودم آنجا خواهم بود و امیدوارم که همه خوانندگان مجله شما هم در آنجا باشند. بد امید دیدار هومان: فیلیپ، از شما برای این مصاحبه تشکر میکنم.

نذیس سوم مارس ۱۹۹۲ / اسفند ۱۳۷۰

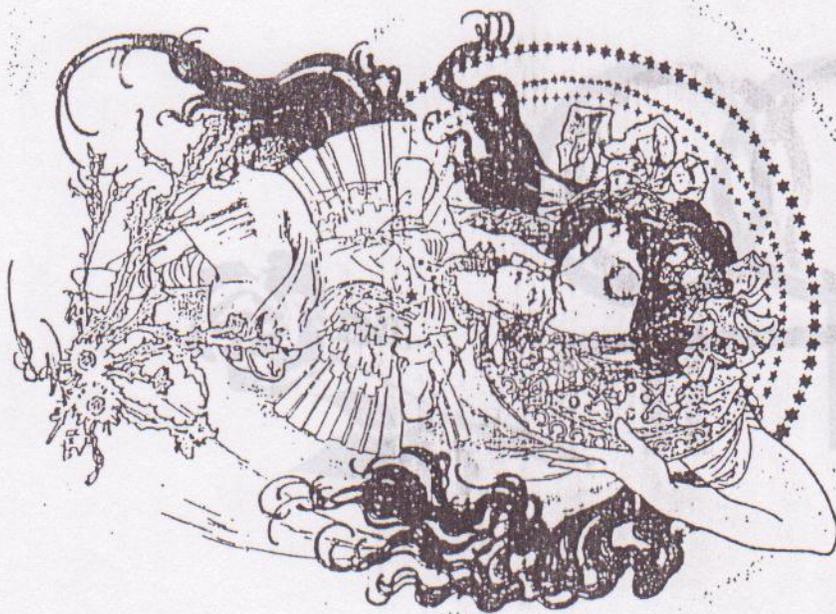


مراسم Christopher street

سالها بود که پلیس آمریکا کلوب همجنسگرایان لوس آنجلس، Stone Wall، که در خیابان کریستوفر واقع بود، را مثل دیگر کلوبهای متعلق به همجنسخواهان، تحت نظر داشت و دائما باعث آزار و اذیت بازدیدکنندگان از این محل میشد. شب ۱۹۶۹/۶/۲۷، پلیس به محل Stone Wall برای چندمین بار یورش میبرد. هدف این یورشها آزار و اذیت و یا دستگیری مهمانان بود. اما این بار (شب ۱۹۶۹/۶/۲۷)، همجنسگرایان خشمگین، پلیس را غافلگیر کرده، از در عقبی بیرون میزنند و در اصلی را به سرعت قفل میکنند. در نتیجه افراد پلیس را در محل کلوب زندانی میکنند. این خبر بسرعت در تمام آمریکا پخش میشود. در نتیجه بسیاری از همجنسگرایان آمریکایی در اعتراض به اعمال پلیس دست به اغتشاشاتی میزنند که تا یک هفته ادامه مییابد. این اعتراضات باعث نگرانی شدید مقامات قضایی را فراهم آورد. اعتراضات و اغتشاشات انجام گرفته در آن هفته در وقایع بعدی که منجر به تعویض بسیاری از قوانین تبعیض آمیز قدیمی شد، تاثیر بسزایی گذاشت.

همجنسگرایان آمریکایی از آن بعد، برای گرامیداشت آن روزها، هر ساله این هفته را در سراسر کشور جشن میگیرند. در سال گذشته تنها در شهر لوس آنجلس، سیصد هزار نفر به تظاهرات و ترتیب کارنوال دست زدند. یکی از اعضا گروه هومان که در این مراسم بوده، طی ناسه‌ای به هومان چنین مینویسد: "با اینکه من شاید سالهاست که گریه نکرده‌ام، اما در اینروز با دیدن عظمت این کارنوال ورژه بیش از ۲۸۰ گروه مختلف، بی اختیار چندین بار گریه کردم." این دوست ما در این تظاهرات دست به ابتکار جالبی میزند. به این شکل که به یک فلسطینی و یک اسرائیلی همجنسگرا پیشنهاد میکند که در حین در دست داشتن پرچم کشور خود، دست در دست هم در جلو گروه حرکت کنند. این حرکت در تمام شعبه‌های تلویزیون لوس آنجلس نشان داده میشود.

مراسم بزرگداشت روز ۱۹۶۹/۶/۲۷ بنام خیابانی که کافه Stone Wall در آن واقع بوده، نامگذاری شده و بنام Christopher Street معروف است. از آنجاکه شهر لوس آنجلس در غرب آمریکا واقع شده، مراسم این شهر تحت نام Christopher Street West برگزار میشود.



شعری از سعید احمدی

برای

هین سی

که در چهره‌ی بر بی‌کراکی گشایم .

بر آنجا

که خورشید، خورشید است

و ماه، ماه .

آنجا که

با تمثیل پرنده تحقیر نمی‌شوم

و راستای قامت سرو،

استواریم را خوار نمی‌دارد .

شب زیباست آنجا

و ماهی و دریا

چشم‌انداز دلپذیری بیش نیستند .

جایی که

بی‌توانم تنها به تو نگر کنم

و بد اینکه چگونه بیش از پیش دوست بنارم .

در چهره‌ی بر بی‌کراکی :

آنجا که

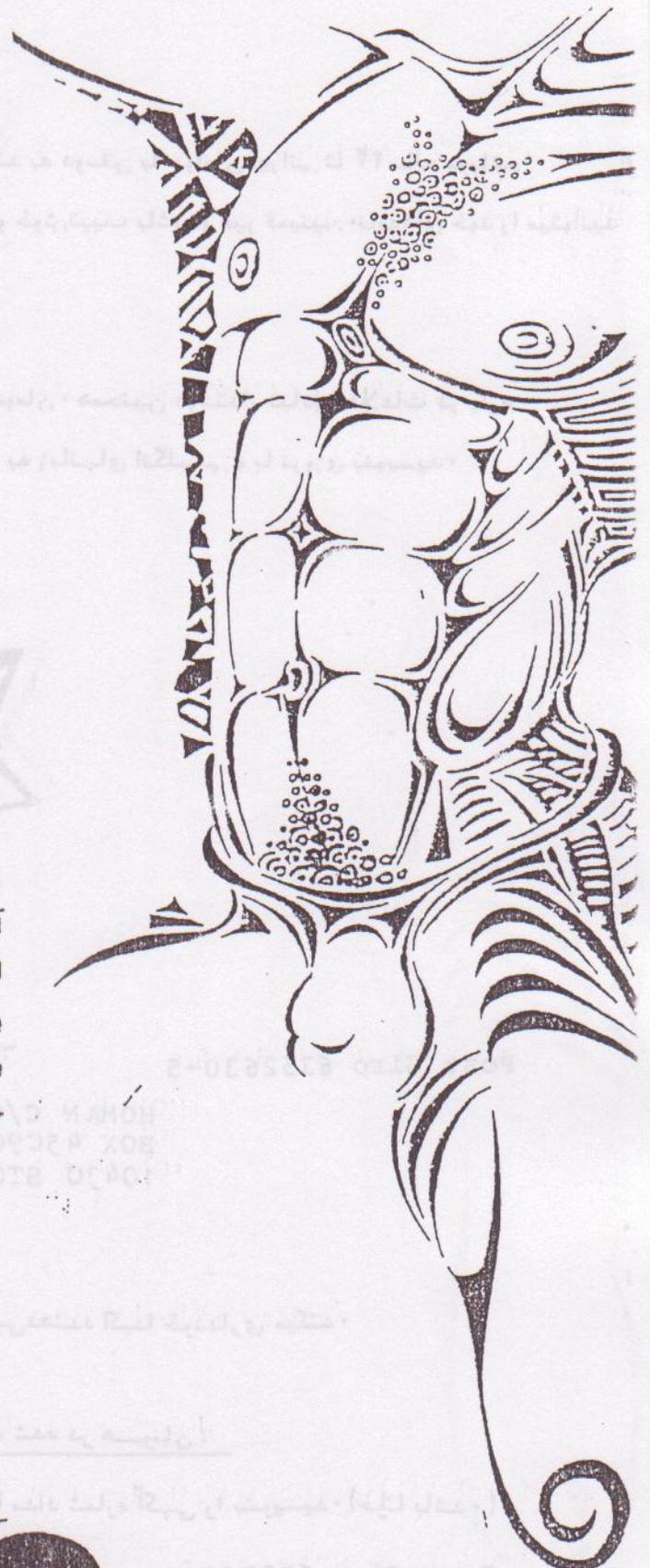
انسان، انسان است

و درخت، درخت

و روح من به سان تنم

حقیقتی است تریبان به زیر سرانگشتان گرم تو .

(برگرفته از دنیای سخن، شماره ۴۸)



الهی شنایی

۶۰۱ - دوستان عزیز، من مهندس ۲۹ ساله اهل ونزوئلا هستم که خواهان دوستی و آشنایی با اعضاء گروه هومان، توسط نامه‌نگاری و مبادله افکار فرهنگی و غیره میباشم. علاقمند به مطالعه و موسیقه، هستم و یکم از عشاق دنیای یارسم. میباشم. نامه‌های خود را به زبان انگلیسی بنویسید.

۶۰۲ - یسری هستم سوئدی / ایرانی، موبور و خهش، تیب، علاقمند به دوستی با جوانان ایران، تا ۲۴ ساله میباشم. شما میتوانید اهل کشورهای دیگر هم باشید. امیدوارم که مدرن و خوش‌تیپ باشید و غیر فمینی، نامه‌های خود را میتوانید به زبانهای انگلیسی، فارسی و یا سوئدی بنویسید.

۶۱۳ - مردی هستم نروژی و علاقمند به آشنایی با اعضاء گروه هومان، همچنین دوستدار تبادل اطلاعات در باره همسنگرایی در فرهنگ غرب و ایران میباشم. نامه‌های خود را به زبانهای انگلیسی، و یا نروژی بنویسید.



برای ترچ آگهی در هومان

Post Giro 6352630-5

معادل ۲ دلار پول کشوری که در آن زندگی میکنید را به شماره حساب

بزرگ و نش آنرا همراه با آگهی خود به آدرس:
HOMAN C/O RFSL
BOX 45090
10430 STOCKHOLM, SWEDEN

سال دارید. نام و آدرس کامل خود را در نامه ثبت کنید.

- هومان از درج آدرس، شماره تلفن و همچنین از چاپ عکس افراد آگهی‌دهنده اکیدا خودداری میکند.

برای پاسخ گفتن به آگهی آشنائی چاپ شده در هومان:

۱- نامه خود را در پاکتی گذاشته، در پاکت را بچسبانید. روی پاکت با مداد شماره آگهی را بنویسید. (خوننا باشد.)

Post Giro 6352630-5

معادل ۲ دلار پول کشوری که در آن زندگی میکنید را به شماره حساب

واریز و نش بانکی آنرا همراه با نامه نرسته خود در پاکت بزرگتری گذاشته به آدرس هومان ارسال دارید.

- نامه شما بلافاصله و بمحض دریافت به آدرس آگهی مربوطه ارسال خواهد شد.

آدرس شعبات گروه هومان در کشورهای مختلف:

c/o RFSL Stockholm
Box 45 090
104 30 Stockholm
SWEDEN
Phone: 8 - 736 02 12

سوئد:

آدرس مجله هومان:

c/o EMANZIPATION
E.V
Klingerstr. 6
6000 Frankfurt 100
GERMANY
Phone: 69 - 29 77 296

آلمان:

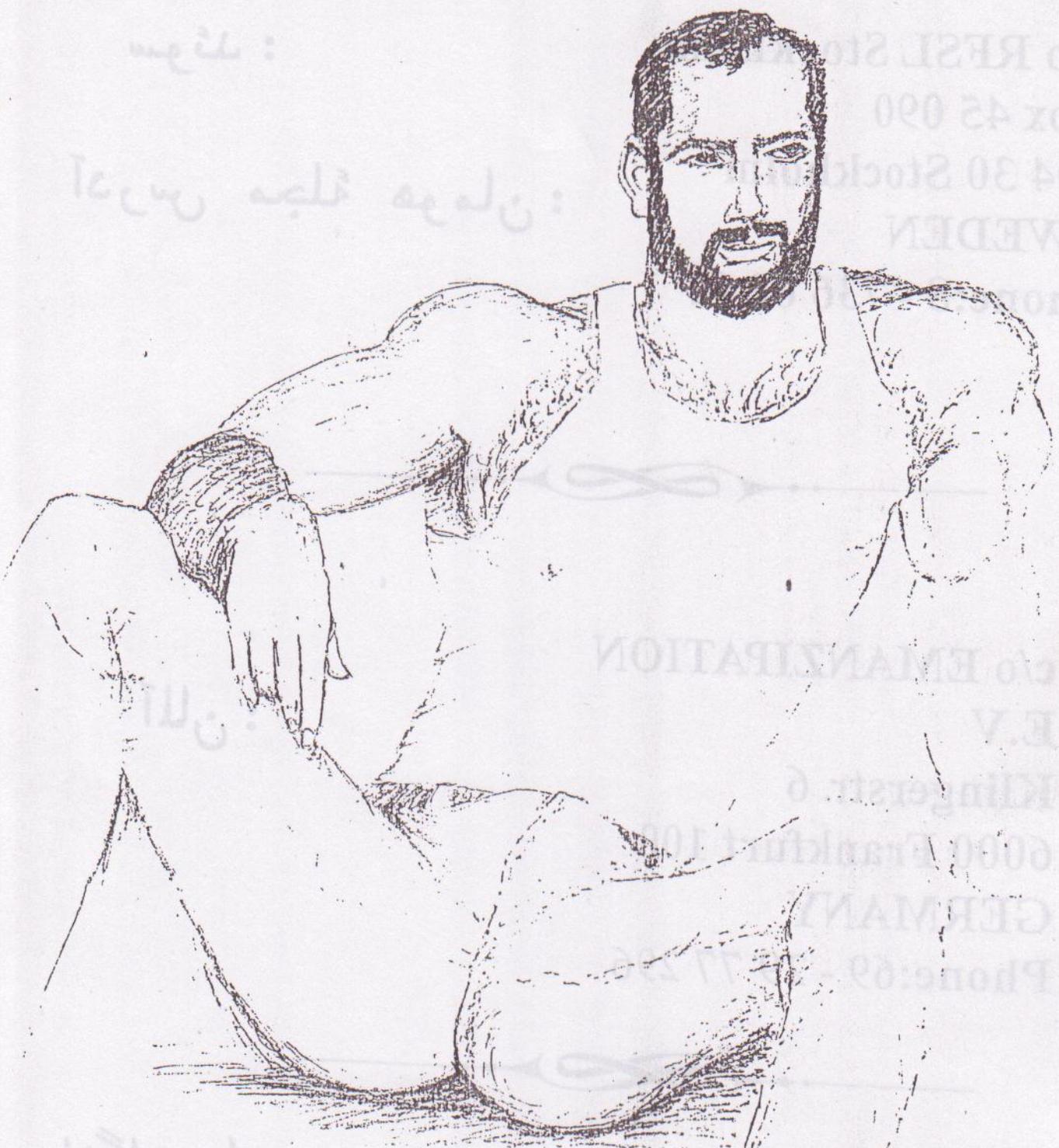
c/o OUTRAGE
(Iranian lesbian and gay group)
London Lesbian and Gay Centre
67 - 69 Cowcross Street
LONDON EG M6BP
Phone: 71 - 49 07 153

انگلستان:

مختلفہ رنگوں کے لیے ہر قسم کے لباس کی سفارش کی جا رہی ہے۔

سائز:

مختلفہ رنگوں کے لیے ہر قسم کے لباس کی سفارش کی جا رہی ہے۔



مختلفہ رنگوں کے لیے ہر قسم کے لباس کی سفارش کی جا رہی ہے۔

Phone: 71-49 07153
LONDON EC6M8P
67 - 69 Cowcross Street
London Lesbian and Gay Centre
(trans lesbian and gay group)
C/O OUTRAGE

در این شماره میخوانید



۲ - واکسن ایدز قبل از سال ۲۰۰۰ - افسانه یا واقعیت

۴ - بیشتر گلهای تهران از دواج کردهاند

۵ - حنسیت در اسلام

۹ - وقایع اتفاقیه

۱۲ - اسکار وایلد مرد تناقض بود

۱۵ - همجنسگرای ایرانی توقع دارد که - نامه رسیده

۱۷ - موقعیت نویسندگان زرتشتی هند در غرب

۱۹ - مصاحبه با فیلیپ ، همجنسگرای انگلیسی

۲۲ - مراسم کریستوفر استریت در آمریکا

